

عجوبه تحقیق واسوه حسنه خدمت به فرهنگ و ادب ایران

می داد. وقتی می دید عده ای در طلب حقیقت سهل گیر هستند و دقت نمی کنند، عصبانی می شد. حتی به خودش هم رحم نداشت و از خودش هم انتقاد می کرد. اصلاً یک اهمیت قزوینی این است که فقط منتقد دیگران نبود بلکه منتقد خودش هم بود. قزوینی از اینکه بگوید اشتباه کرده، ابایی نداشت چون یک محقق درجه یک بود. بنابراین او را نمی توان در دقت خلاصه کرد، بلکه دقت، وسواس، عطش کشف حقیقت، تبحر در روش های تحقیق، عقلانیت در تحقیق و مراجعه و معرفت منابع تحقیق همگی از او یک دانشمند و محقق درجه یک ساخته بود.

سفر و سکونت او در کشورهای اروپایی و استفاده از کتابخانه های آنجا چقدر در شکل گیری شخصیتی که امروزه از علامه قزوینی می شناسیم، تاثیر گذار بوده است؟

اگر او به اروپا نمی رفت هیچ وقت این قزوینی که می شناسیم، نمی شد. یعنی قزوینی با رفتن به اروپا قزوینی شد. کتابخانه های آنها را دید با مستشرقان آشنا شد. زبان آموخت و تتبعات مستشرقان را دید. در اروپا قزوینی قزوینی شد.

به عنوان سخن پایانی هم اگر بحث یا نکته ای در رابطه با علامه قزوینی قابل ذکر می دانید، بفرمایید.

به نظر من علامه قزوینی یکی از بزرگترین شخصیت های ایران معاصر است. یعنی اگر چند ایرانی بزرگ در این قرنهای اخیر در همه رشته ها و عرصه ها از سیاست و هنر گرفته تا ادب و... انتخاب کنیم، علامه محمد قزوینی یکی از برجسته ترین و موثرترین ها است. او هم از حیث تحقیق و روایح حیرت آور است، هم از این لحاظ که برای خیلی ها آموزگار بوده است. او مایه مباهات ایران و ایرانی است.

در نامه های قزوینی به فروغی نکاتی هست که نشان می دهد قزوینی تحقیقات ماندگارش را زمانی انجام و سامان می داد که در بدترین شرایط مالی بود و زمانه بر او سخت می گرفته است. خیلی سخت؛ این آموزنده است؛ به این معنا که می آموزد غم زمانه برای کسی عطش و شوق تحقیق دارد مانع نیست. این عجوبه تحقیق، اسوه حسنه خدمت به فرهنگ و ادب ایران، در شرایط بسیار دشوار است. قزوینی فقط پیشوای آموختن روش تحقیق نوین به محققان ایرانی نیست، بلکه آموزگاری است که به ما می آموزد اگر روزگار بر ما سخت گرفت، با زندگی سخت شد، با این همه نباید دست از طلب برداشت. تحقیق و علم و خدمت به فرهنگ ایران تعطیل بردار نیست.

همچنین قزوینی نسبت به زبان فارسی غیرت و تعصب زیادی داشت و نگران سرنوشت زبان فارسی بود. برای او اهمیت فراوانی داشت که زبان فارسی، سالم و درست نوشته شود. او یکی از عشاق، شیفتگان و دلباختگان زبان فارسی بود. قزوینی همچنین بسیار ایران دوست بود. استاد احمد مهدوی فرمود که قزوینی در بستر مرگ از او خواست قصیده بحتری شاعر عرب را در مدح فضل و بزرگواری و سلالاری ایران بخواند. قزوینی عاشق ایران بود. آن همه عمر و توش و توان که صرف پژوهش در تاریخ و ادبیات و فرهنگ ایران کرد، از عشق سوزانش به ایران نشأت می گرفت. قزوینی این همه کار کرد که دین خود را به ایران ادا کند.

فرنگی ها را داشت، ولی آن ها به اندازه قزوینی سواد عربی و فارسی نداشتند. خیلی از مستشرقان نامدار به قزوینی مراجعه علمی می کردند. او نزد مستشرقان بسیار معتبر بود. پس قزوینی روش کار را از اروپایی های یاد گرفته بود. به منابع و کتابخانه های آن هادسترسی پیدا کرده بود، اما مایه علم را از آن ها بیشتر داشت. یعنی در احاطه به زبان عربی و فارسی و شم زبانی قزوینی بر آن ها برتری داشت.

جایگاه قزوینی را در تصحیح متون چگونه می بینید و آیا پس از او روش او در تصحیح و پژوهش پی گرفته شده یا خیر؟

مطمئناً روش علمی قزوینی، که مبتنی بر دقت زیاد و دیدن منابع فراوان بوده، از سوی محققان پی گرفته شده است. تحقیقات قزوینی وار، پژوهش های ادبی و تاریخی قزوینی وار و قزوینی پسند داشته ایم. از نسلهای گذشته تا نسل های جوان تر، مقالات و رساله هایی می بینیم که اگر قزوینی آن ها را می دید، احسنت می گفت. بنابراین میراث قزوینی بارور و مستمر و مستدام است.

این طور که از صحبت های شما برمی آید، دقت مهم ترین ویژگی کار علامه قزوینی بوده است؛ به نظر شما چه ویژگی های دیگری در کار قزوینی مشهور و برجسته است؟

دقت، وسواس، جست و جوگری، سپرنشدن از تحقیق و پژوهش، از ویژگی های بارز کار قزوینی است. این به این معنی نیست که کار او خالی از عیب و ایراد است؛ ولی نسبت به آن زمان کارهایش شاهکار و بی نظیر است. در زمانه ما خیلی از نسخه هادر اینترنت موجود است و هر کدام از مایک هارد دارد، که به اندازه صدها هزار صفحه کتاب در آن جا می شود و همیشه همراه فرد است؛ یا موتورهای جست و جویی وجود دارد که شعری را که قزوینی طی دو سال در کتابخانه های پاریس به دنبال آن می گشت را الان طی دو دقیقه برای ما جست و جو می کند؛ ولی این مسئله چیزی از ارزش

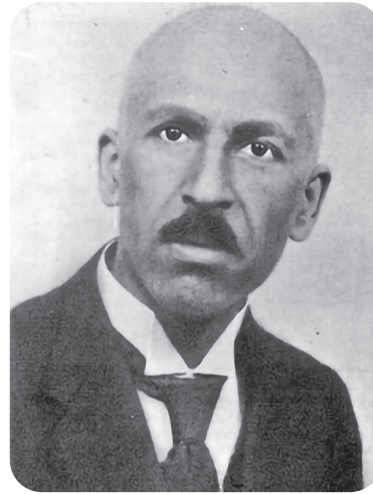


کار قزوینی کم نمی کند. یعنی با توجه به امکانات و دقت آن زمان، کار قزوینی فوق العاده است. دقت و تتبع و همت عالی او در روزگار ما هم کم مثل و مانند است.

البته فقط دقت او زبانزد نیست، بلکه همان طور که اشاره کردم، سپرنشدن از جست و جو، این که هر لحظه حاضر بود خود را نقد کند، نظرش را به محک تردید و جستجوی تازه بزند؛ خود را بشکند و برای رسیدن به حقیقت تردید عالمانه کند، از ویژگی های برجسته قزوینی است. قزوینی حقیقتاً محقق بود و کشف حقیقت آرام و قرارش را می ربود. عطشی در جان او بود که او را به طلب حقیقت سوق

تا قبل از علامه قزوینی خیلی بحث تصحیح انتقادی متون در ایران مطرح نبود. البته آقای دکتر امیدسالار خیلی با این سخن موافق نیستند و در این موضوع رساله نوشته اند. می توان گفت قزوینی سرسلسله و پیشاهنگ جریان تصحیح انتقادی متن در ایران است. اصول این نوع کار روی متن واحیاء علمی و انتقادی آن را قزوینی از فرنگی ها آموخته است و آثارش از نمونه های فرنگی هم عمیق تر و موفق تر است.

قزوینی پیشوای اهل تصحیح و رب النوع تصحیح انتقادی متون در ایران است. دستاورد او در «مرزبان نامه»، «چهار مقاله»، «تاریخ جهانکشی جویینی»، «مقدمه شاهنامه ابومنصوری» حیرت آور است. بخصوص اگر امکانات محدود آن عصر را در نظر داشته باشیم. نه این هه کتاب و منابع تحقیق و نسخه خطی آسان یاب بود و نه نرم افزارها و جستجوگرهای دیجیتال در یک چشم به هم زدن حاصل یک سال تتبع قزوینی و فروزانفر و مینوی را در



اختیار محقق می گذاشتند. در تصحیح انتقادی و احیاء متون علامه قزوینی الگویی برای دیگران بوده و دیگران از او یاد گرفته اند. یعنی هر کسی که این کاره شد، بهار اقبال و مینوی و بهمنیار و فروزانفر، روش کار را از قزوینی یاد گرفتند و کم و زیاد به راه او رفتند.

قزوینی شاید بیشتر از هر دانشمندی در معرفی تصحیح انتقادی متون به جامعه آن روز ایران تاثیر داشته است. هم فضل تقدم داشت و هم تقدم فضل. آثارش شد سقف آرزوهای مصححان. همه تلاش می کردند به او برسند. دقت و وسواس و تتبع و کوشایی او در مراجعه به منابع مختلف خیلی حیرت آور بود. دانشمندانی که چشم و چراغ ادب و تحقیق عصر بودند؛ آدم هایی مثل فروزانفر و عباس اقبال درباره کلمه به کلمه تحقیقات قزوینی در «چهار مقاله» او، مباحثات علمی جدی داشتند. در واقع قبل از قزوینی، کسی به این شیوه و با این نوع و اندازه دقت به کار تحقیق تاریخی و تصحیح متن نپرداخته بود. البته در فرهنگ ما ابوریحان بیرونی آدم فوق العاده دقیقی بود ولی قزوینی در روزگار خودش سرآمد و عجیب بود. این روش تحقیق و تتبع را قزوینی از فرنگی های یاد گرفته بود. قزوینی مایه عمیق و وسیعی از دانش سنتی داشت و زمانی که به اروپا رفت، روش تحقیق آن ها را دید و آموخت. قزوینی با نگاه انتقادی به استادان غربی نگاه می کرد. خود باخته نبود. عیوب آنها را می دید. کارش را بسیار خوب آموخت. تاجایی که کارش از خیلی از فرنگیان بهتر است زیرا قزوینی تتبع و اشرف بر منابع و دقت و روش عقلانی تحقیق



دکتر میلاد عظیمی

در هفتادمین سالروز درگذشت ادیب ایران علامه محمد قزوینی، گفت و گویی با میلاد عظیمی، پژوهشگر و ایرانشناس و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران انجام شده است که شرح آن را بر گرفته از سایت دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در ادامه می خوانیم.

برخی صاحب نظران به قزوینی لقب پدر علم کتابشناسی نوین داده اند، به نظر شما چه چیزی باعث نسبت این لقب به قزوینی است؟

الآن یادم نیست که چه کسانی به قزوینی گفته اند پدر علم کتابشناسی نوین ایران. بی شک قزوینی فردی کتاب دوست و کتاب شناس بود. خودش یک کتابخانه شخصی ارزشمند داشت که در کتابخانه دانشکده ادبیات تهران محفوظ است. قزوینی که درگذشت مجتبی مینوی در رادیولندن گفت قزوینی که از دست رفت کتابخانه اش را برای ملت ایران حفظ کنید. قزوینی برای کتابخانه اش فهرست های بسیار نفیسی تهیه کرده بود که دستنویس آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است. این فهرست ها به همت دکتر جواد بشری در حال چاپ است و تا آنجا که بنده خبر دارم، یک جلد آن به دست نشر تک برگ به چاپ رسیده است. این فهرست شخصی پراز فوآند کتابشناسی است. تا آنجا که کتاب های کتابخانه اش را دیده ام، در آنها هم یادداشت های مفید کتابشناسی هست. از آن م متر در مقدمه کتاب هایش، یادداشت های درخشان و مقالاتش بسیار فوآند کتابشناسی هست. قزوینی درباره معرفی و معرفت کتاب ها، شناخت مولف ها و این قبیل مسائل بسیار دقت داشت؛ شاید از این بابت است که می گویند برخی به او این لقب را داده اند. مقالاتش در معرفی کتابهایی که عکسشان رانتهیه کرد، از نمونه های درخشان معرفی عمیق و دقیق کتاب است. دقت و غور قزوینی و آن مراجعه ای که به همه مظان برای شناخت یک کتاب داشت، در این مقالات مشهود است. این نوشته ها واقعاً الگو و نمونه در دقت و تتبع و توجه بود. اصلاً هر کاری که علامه قزوینی انجام داده، درجه یک و تراز اول است. اما خب قزوینی کتاب مستقلی که امروزه بر آن نام کتابشناسی می گذارند تألیف نکرد. اینکه یک کتابشناسی نوشته باشد، چنین چیزی نیست. در همان مقالات و کتاب هایی که داشت، نمونه های بسیار درخشانی را نشان داده، که دیگران از آن سرمشق گرفته اند.

نظر شما درباره نقش قزوینی در شروع و پیشبرد کار تصحیح متون کلاسیک چیست؟ چون تا قبل از قزوینی کار متون کلاسیک را به شیوه امروزی نداشتیم.